



۱۲۰

# سوسیالیسم امروز

۱۵ اسفند ۱۳۹۸ - ۵ مارس ۲۰۲۰

S\_zijji@yahoo.se

سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

آیا جمهوری اسلامی ایران در سراشیبه سقوط قرار دارد؟  
گفتگو با سلام زیجی در باره موقعیت پسا نمایش انتخاباتی  
مجلس جمهوری اسلامی

صفحه ۵

## حداقل دستمزد، حداقل معاش برای زنده ماندن

کارل مارکس

اکنون کار مزدی را بررسی می کنیم. حداقل دستمزد بهای میانگین کار دستمزدی است، یعنی آن مقدار معین از وسایل معاش که مطلقاً برای زنده ماندن کارگر لازم است. بنابراین، آن چه کارگر مزدبگیر با کار خود به تملک درمی آورد صرفاً برای تداوم و بازتولید زندگی اش کفایت می کند. ما در صدد آن نیستیم این تملک شخصی حاصل کار را براندازیم، یعنی تملکی که به مصرف حفظ و بازتولید زندگی آدمی می رسد و مازادی هم بر جانمی گذارد که با آن بتوان بر کار دیگران تسلط داشت. ما فقط می خواهیم خصلت تباہ کننده تملکی را از بین بریم که موجب می شود کارگر فقط به این دلیل زنده بماند که بر سرمایه بیفزاید و فقط تا جایی زنده می ماند که منافع طبقه حاکم ایجاب می کند.

## حقوق زن در ایران و پیچ و خمهای آن

صفحه ۳

## روز جهانی زن بر همگان مبارک!

صفحه ۳

## گفتگو با سلام زیجی در باره ویروس کرونا و راههای مقابله با آن

صفحه ۸

بیش از هزار نفر از فعالین اجتماعی خواهان آزادی  
زندانیان بخاطر پیشگیری از ابتلای آنها به بیماری کرونا  
شدند

صفحه ۱۰

بیانیه حزب  
سوسیالیست  
انقلابی در باره  
۸ مارس، روز  
جهانی زن  
۲۰۲۰-۱۳۹۸  
زنده باد ۸  
مارس ضد  
سرمایه داری!  
زنده باد ۸  
مارس ضد  
جمهوری  
اسلامی

صفحه ۴

## زنده باد ۸ مارس سوسیالیستی!

برای برابری زن و مرد،  
و رفع تبعیض بر حسب جنسیت



حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
iransocialist2017@gmail.com  
www.simroz.org

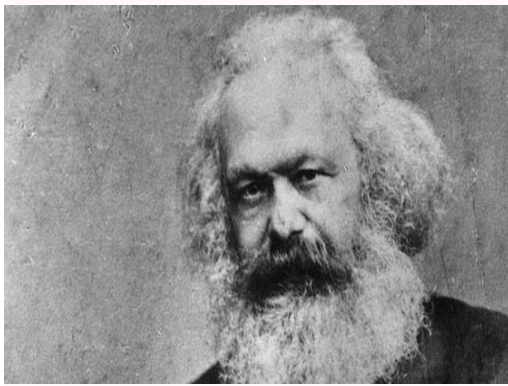


در جامعه بورژوازی کار زنده فقط وسیله ای برای افزایش کار انباشته شده است. اما در جامعه کمونیستی، کار انباشته شده فقط وسیله ای برای گسترش، بارور کردن و اعتلا بخشیدن زندگی کارگران است. بنابراین، در جامعه بورژوازی گذشته بر حال و در جامعه کمونیستی حال بر گذشته چیره است. در جامعه بورژوازی سرمایه استقلال و فردیت دارد، حال آن که آنم زنده نه استقلال دارد نه فردیت. و بورژوازی از بین بردن این وضعیت را

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

## حداقل دستمزد ...



از بین بردن فردیت و آزادی می داند! حق هم دارد. بی شک هدف ( ما ) از میان برداشتن فردیت بورژوازی، استقلال بورژوازی و آزادی بورژوازی است .

آزادی در شرایط کنونی تولید بورژوازی ( به مفهوم ) تجارت آزاد و خرید و فروش آزاد است. اما زمانی که خرید و فروش ناپدید شود، خرید و فروش آزادانه هم ناپدید می شود. سخن سرایی درباره خرید و فروش آزادانه و تمام >> سخنان مشعشانه << بورژوازی ما درباره آزادی، اصولاً اگر مفهومی هم داشته باشد، فقط در مقابل خرید و فروش محدود و تحت نظارت تجار دست و پا بسته قرون وسطایی صادق است، و در برابر شیوه کمونیستی از بین بردن خرید و فروش و شرایط بورژوازی تولید و بورژوازی معنا و مفهومی ندارد.

شما از این که می خواهیم مالکیت خصوصی را براندازیم به هراس افتاده اید، اما مالکیت خصوصی در همین جامعه موجود شما برای نه دهم جمعیت از میان رفته است. صرفاً از آن جهت مالکیت خصوصی عده ای معدود وجود دارد که این نه دهم از آن بی بهره هستند. پس شما ما را به این جهت سرزنش می کنید که قصد داریم شکلی از مالکیت را نابود کنیم که محرومیت اکثریت عظیم جامعه از هر نوع مالکیتی شرط ضروری هستی آن است. خلاصه، ما را سرزنش می کنید که قصد داریم مالکیت شما را از میان برداریم. دقیقاً چنین است: قصد ما همین است.

## کارگران! مردم شرافتمند!

هیچ پدیده ای به اندازه تحمیل این سطح از زندگی بردگی به کسانی که کل ثروت یک کشور را خلق میکنند جنایتکارانه و ضد انسانی تر نیست! هیچ جنایتی بزرگتر از این نیست که در شکل "قانونی" نان زحمتکش ترین انسانها را به این شکل از جانب یک مشت کاندگستر دولتی و سرمایه دار به گرو گرفته شود. آمار قربانیان این نوع جنایات کمتر از میدانهای جنگ گرم نیست!، هیچ جرمی به اندازه اعمال زورگویانه، یکجانبه، و با نقشه کشی اقتصادی-سیاسی هدفمند علیه تولید کنندگان ثروت و سامان جامعه، و به هدف هموار کردن شرایط مشقت بارتر آنها و سودجوی کور اقتصادی دولت سرمایه داران، از طریق به زانو در آوردن یک طبقه ۴۰ - ۵۰ میلیونی، و نابودی فیزیکی و روحی میلیونها انسان بزرگسال و کودک، که گسترش اعتیاد، خودکشی، تن فروشی، و تحمیل یک زندگی واقعا بردگی به شرافتمندانه ترین و کارکن ترین انسانها جز عوارض فوری ناشی از چنین تعرض است، نمیتوان تصور کرد! آنها از جانب یک مشت اوباش سرمایه دار و یک نظام استبدادی اسلامی-بورژوائی که تنها یک مورد از دزدیهای کلان و "اختلاس" هایشان برای پایان دادن به فقر و گرسنگی در کل کشور کفایت میدهد. اما ما کارگران این تعرض گستاخانه را نیز تحمل نمیکنیم. این جنایت نباید از جانب طبقه کارگر ایران و رهبران واقعا دلسوز و جدی آن طبقه تحمل گردد. نباید از جانب شهروندان آزادیخواه و کسانی که در لجن جمهوری اسلامی و فرهنگ ضد کارگری و ضد انسانی آن غرق نشده باشند پذیرفته شود.

باید جامعه به دفاع از کارگران برخیزد! (بخشی از بیانیه حزب در باره حداقل دستمزد ۹۹ طبقه کارگر ایران)

پیش بسوی گرفتن حداقل دستمزد ۸-۹ میلیون تومان برای سال ۱۳۹۹

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۱۵ دی ۱۳۹۸ - ۵ ژانویه ۲۰۲۰

از آن لحظه که دیگر نتوان کار را به سرمایه، پول، بهره مالکانه و به قدرت اجتماعی انحصارپذیر تبدیل کرد، یعنی از آن لحظه که دیگر نتوان مالکیت فردی را به مالکیت بورژوازی و به سرمایه تبدیل کرد، درست از همان لحظه خواهید گفت که فردیت نابود شده است.

بنابراین، باید اعتراف کنید که وقتی از << فرد >> سخن سرمی دهید، هیچ شخص دیگری جز شخص بورژوا، جز مالک طبقه متوسط، را در نظر ندارید. به راستی، چنین شخصی باید برافتد و غیر قابل تحمل شود."

مارکس- انگلس. مانیفست کمونیست.

کتاب مانیفست پس از ۱۵۰ سال ( ۲۹۴، ۲۹۵ )

ترجمه، حسن مرتضوی و محمود عبادیان

بازتکثیر: شماره ۱۲۰ نشریه سوسیالیسم امروز، ( سر تیتر مقاله بر گرفته از متن و از جانب نشریه انتخاب شده است)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حقوق زن در ایران و پیچ و خمهای آن

آرستمی

انچه مهم است حقوق زن در طی این چهل سال، و فراز و نشیب های مبارزه زنان در جهت به دست آوردن حقوق انسانی شان بسیار سخت بوده است و در سه بخش قابل بررسی است. اول حقوق زن در خانواده، دوم حقوق زن از دید فرهنگ مسلط بر جامعه، و سوم از نظر قانون و حاکمیت.

حقوق زن در خانواده نخستین تاثیر و مهم ترین تاثیر را از نظر روحی روانی و جسمی می گذارد گرچه این نقطه نظر خود تحت تاثیر آموزش و پرورش و حاکمیت و فرهنگ مسلط بر جامعه می باشد. در خانواده وقتی پدر با فرزند دخترش رفتار مناسبی دارد و مادر حقوق او را به رسمیت می شناسد و از ان دفاع می کند و بین دختر و پسرش تبعیض قابل نمیشود می تواند زنی را تربیت کند با اعتماد به نفس و ذی حق گرچه این مهم از تاثیر حاکمیت و فرهنگ بی ثمر نمی ماند. و فرهنگ شهری و روستایی و قومیت نیز تاثیر گذار است. که نمونه ان در فرهنگ " قومیتی" کرد لر و ترک به لحاظ سنت گرایي محدودیت بیشتری برای زنان ایجاد می شود.

بنابراین زن ایرانی در سه عرصه بایستی مبارزه کند و برای این مبارزه نیاز به تشکل های قوی جهت آموزش و بالا بردن آگاهی زنان نسبت به حقوق خود می باشد. در زمینه حقوقی جز با از بین رفتن و فروپاشی حاکمیت موجود دستیابی به حقوق زن امکان پذیر نیست چون اگر آگاهی و بینش زنان هم تغییر یابد در زمینه حقوقی که مجلس قانونگذار است حمایتی در این حاکمیت زن ستیز صورت نخواهد گرفت. و به دلیل عدم حمایت قانون برده وار مجبور به ادامه زندگی با مردی است که تمام حقوق انسانی او را مورد تجاوز قرار می دهد بخصوص که از نظر مالی استقلال نداشته باشد.

در طی این سالها به لطف دنیای مجازی و عصر ارتباطات زنان ایرانی از نظر آگاهی نسبت به حقوق خود پیشرفت زیادی داشته اند. اما از طرف دیگر به دلیل شرایط بد اقتصادی و فرهنگی جامعه نه تنها زن بیسواد روستایی بلکه زن تحصیل کرده شهری نیز برده وار به زندگی با این شرایط ادامه می دهد چه بسا در تهران بزرگ زنان تحصیل کرده و شاغل هم برده ساخته و برای حقوق ماهی هشتصد هزار تومان دربیرون طعمه ای برای صاحبکاران و سرمایه داران و در منزل نیز توسط خانواده همان دستمزد اندکش را هم صاحب می شوند

بنابراین تنها راه رهایی زن در ایران تغییر بنیادین ساختار جامعه و و سقوط نظام اسلامی و ایجاد نظام دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران است و این امر به تنهایی ممکن نیست جز با ایجاد تشکل و اتحاد با سایر اقشار از جمله با زحمتکشان و کارگران معلمین و.. می باشد و این امر همچنین جز با خود باوری زنان، که پاشنه اشیل جمهوری اسلامی است، نمیتوان پیشرفتی بدست آورد. گسترش مبارزه علیه همه قوانین و تبعیضات بر حسب جنسیت و علیه ساختار ارتجاعی جامعه تنها راه نجات است.

به امید پیروزی و رسیدن به آن روز!

## روز جهانی زن بر همگان مبارک! هر روز روز زن است و هر روزتان مبارک باد!

مینا تهرانی

نمیدانم از کجا شروع کنم تا آنجایی که من یادم میاد در کتابهای درسی زمان ما داستانهایی داشتیم که خیلی درسها و پند هایی را به ما میداد البته با زبان کودکی و قابل فهم برای کودکان از جمله بلدرچین و برزگر، مورچه و جیرجیرک و شعرهای کودکانه مادر و فرزندان و صد دانه یاقوت و امثالهم..... که همگی هم نسلهای ما بخوبی بیاد دارند.

حالا از آن زمان تا کنون چند دهه میگذرد اما همچنان داستان زندگی ما و در آرزوی بدست آوردن حداقلی از امکانات جامعه و رسیدن به آزادی زن سر جای خودش است. اکنون در آستانه روز جهانی زن متاسفانه ما با یک پدیده به اسم ویروس کرونا مواجه هستیم که باعث فراموشی ویروس اصلی جامعه یعنی نظام ضد زن اسلامی شده است. این حکومت سانسور و بی تفاوتی به جان مردم اکنون با استفاده از ویروس کرونا در حال ایزوله کردن مردم معترض است، و کاری کرده که باید با قیمت چند برابری ماسک و ژل و دستکش جهت پیشگیری از ابتلا به کرونا بخیریم.

مردم در این شرایط سخت اقتصادی باز مثل همیشه باید تاوان بی درایتی مدیران نالایق و چپاول خزانة صندوقهای باز نشستگی را بدهند..

حتی در این شرایط سخت کشور نیز زنان از جمله زنان پرستار نقش اصلی و فداکاری خود را ایفا میکنند. در مجموع هر چه جمهوری اسلامی و جامعه مرد سالاری دینی در راه تضعیف موقعیت زن در جامعه است اما نقش زنان در تمام عرصه های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی و امداد رسانی و اداره امور کشور در سطحی است که همه پروپاگند و قوانین و فرهنگ ضد زن آنها را بر باد داده است.

با نزدیک شدن به هشت مارس روز جهانی زن شاهد تلاش همه جانبه و بی وقفه جنبش آزادیخواهان مران و زنان برابری طلب در بدست آوردن حق برابر زن و مرد و حق برخورداری از همه امکانات کشور بطور برابر در مشاغل مختلف و مدیریتی حتی در سطح وزارت را خواهان هستند، هر چند مقام زن در هر پستی در این نظام به معنی بی حرمتی با پدیده زن خواهد بود چون سیاست و قوانینی را اجرا میکند که کاملاً علیه خود و برابری زن تدوین و اجرا میگردد. اما نفس آگاهی به اینکه این حق زنان است در همه امورات کشور حضور برابر داشته باشند خود گامی رو به جلو است.

امیدوارم که زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب دوشا دوش هم بتوانند در رفع تبعیض در تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداری کشور گامهای موثر تری برداشته و بتوانیم آینده روشن و بهتری را که شایسته زنان و مردان متمدن است بسازیم و بستر مناسب برای نسل نو و جوان ایرانی و کودکان عزیز خود فراهم کنیم. راه اول رسیدن به این هدف سرنگونی حکومت ضد زن جمهوری اسلامی و استقرار نظام سوسیالیستی است.

از این فرصت استفاده کرده روز جهانی زن را به تمام زنان کشورم تبریک گفته و آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون برایشان دارم. به امید آنروز که خیلی دیر نیست. زنده باد آزادی و برابری!

**نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!**

## بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره ۸ مارس، روز جهانی زن ۱۳۹۸-۲۰۲۰

### زنده باد ۸ مارس ضد سرمایه داری!

### زنده باد ۸ مارس ضد جمهوری اسلامی



۲- برابری کامل زن و مرد در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی. پایان دادن به امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان.

۳- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی، اشتغال، قوانین کار و بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر درازای کار مشابه برای زنان و مردان. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- لغو کلیه قوانین عقب مانده فرهنگی، ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متاهل، لغو جنایت ازدواج اسلامی کودکان زیر ۱۸ سال، لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت، و در ازدواج و طلاق مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات، آموزش و پرورش، اجتماعات، معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع دخالتی در روابط شخصی، عاطفی و جنسی زنان از جانب دولت، مقامات، جامعه و خانواده.

۵- اعلام روز جهانی زن به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور و آزادی هر شکلی از تجمع، اعتراض و جشن و گردهمانی به این مناسبت.

۶- آزادی فوری کلیه فعالین مدافع برابری زن و مرد در زندان

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن تبریک روز ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان آزاده و سوسیالیست، روز اعتراض به تداوم شرم آورتبعیض و نابرابری علیه زن، همه زنان آزادیخواه، کارگران و جوانان پیشرو و کلیه کسانی که خواهان پایان دادن به نابرابری بین زن و مرد و تداوم ستم بر مبنای جنسیتی هستند به صفوف خود فرامیخواند.

**زنده باد برابری زن و مرد در همه زمینه ها!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**نابود باد نظام سرمایه داری!**

**زند باد سوسیالیسم!**

**حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

**iransocialist2017@gmail.com**

**www.simroz.org**

**۳۰ بهمن ۱۳۹۸**

**۱۹ فوریه ۲۰۲۰**

در ایران تحت حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، به عنوان ارکان ضد زن نظام بورژوازی حاکم، چهار دهه است شاهد یک سیسم تمام عیار آپارتاید جنسی هستیم. شاهد جنایت و سرکوب و وحشیگری بیشمار در شکل تحمیل حجاب و پوشش اسلامی و قوانین به شدت ضد انسانی مانند سنگسار، تجاوز، نابرابری، جدا سازی، اسید پاشی و جاری کردن بی حقوقی کامل زن و گسترش فرهنگ لمپنی ضد زن و مرد سالارانه هستیم. اما نباید فراموش کرد که پایان قوانین و مظاهر ارتجاعی مذهب، با تمام اهمیتی که دارد، هنوز به معنی رهائی واقعی زن نیست.

چنین تصویری که بر مبنای نگاه صرف "سکولاریستی" و "ضد اسلامی"، در برخورد به پدیده ستم بر زن بنا نهاده شده است، نفس مبارزه آگاهانه و واقعی زنان و جنبش سوسیالیستی ما را برای کسب همه آزادیها و برابریها را تضعیف و مخدوش کرده است. این نگاه بورژوائی و خرده بورژوائی به آزادی زن و واقعیت جدا ناپذیری این مبارزه از مبارزه طبقاتی، و شناخت این پدیده ساده که بقای چنین ستمی رکن مهمی از بقایای نظام حاکم طبقاتی حتی در پیشرفته ترین نظامهای سرمایه داری است، ما را دور نگاه میدارد. و بدین ترتیب مانند بقیه هیاهوهای "عامه پسند" فرمان قطار آزادی زن را در اختیار هر جنبش پوپولیستی، ملی گرایی، "اسلامی معتدل"، اصلاح گرایان" و غیره میدهند بجز صاحبان واقعی خود آن جنبش و مبارزین راستین رهائی قطعی از این ستم و نابرابری.

تردیدی نیست که سرنگونی جمهوری اسلامی گام نخست آزادی زن و هر شکلی از پیشرفت جامعه است، اما بطور قطع چنانچه این امر مهم سرنگونی با واسطه و با اتکا به جنبش پیشرو و سوسیالیستی زنان و همپیمانان جنبشی و طبقاتی آنها، یعنی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی به سر انجام نرسد، مادام که در راس این مبارزه برای سرنگونی کلیت بساط این نظام اسلامی-بورژوائی آرمان و آینده و افق سوسیالیستی بر افراشته و برجسته نشده باشد و فرمانش در دست رهبری جنبش ما نباشد، مادام مطالبه و آینده ای بر مبنای مفاد زیر در راس پرچم سیاسی و افق جنبش آزادی زن و جامعه قرار نگیرد، حتی سقوط جمهوری اسلامی نیز الزاما به معنی آزادی واقعی نه تنها زنان که به آزادی هیچ بخشی از جنبش کارگری و آزادی خواهی و برابری طلبی منجر نخواهد گردید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، در راستای رسیدن به هدف نهائی خود، یعنی برقراری یک جامعه بری از ستم و نابرابری، از جمله تحقق کامل برابری زن و مرد و رفع تبعیض برحسب جنسیت، و در راستای تقویت پرچم و جنبش سوسیالیستی سرنگونی طلبانه در جامعه همه زنان آزاده و مبارزین راه آزادی و برابری را به پیوستن به تلاش مشترک برای تحقق منشور آزادیخواه زیر فرا میخواند.

۱- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، تحزب، تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب برای هر فرد و کلیه تشکلهای زنان و نهادها و احزاب مدافع برابری زن و مرد.

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

## آیا جمهوری اسلامی ایران در سرایشی سقوط قرار دارد؟ گفتگو با سلام زیجی در باره موقعیت پسا نمایش انتخاباتی مجلس جمهوری اسلامی

پس مردم و رای مردم مطلقاً پیشیزی ارزش ندارد در تغییر سرنوشت خود و جامعه در این نوع سیستمها! پس باز بر میگردد به سوال کلیدی که هر انسان آزاده و حزبی باید از خود بکند که چرا این چنین نظامی همچنان بر اریکه قدرت نه تنها باقی مانده که همواره بخشی از مردم را نیز توانسته مانند خودش فاسد، مرتجع، دو دوزه باز و حتی جانی بار آورده است.

جواب بخش اعظم جریانات مانند این ۴۱ سال یک جمله است: "سرکوب عریان این رژیم باعث تداوم حاکمیت سیاهش شده است". اما در عین حال که جنایت و سرکوب یک رکن بقای حاکمیت بوده و هست اما مطلقاً این تنها عامل نبوده و نیست، این توجیهاتی برای نیروهای ضرورت پیدا کرده است که خود در حاشیه جنگ با رژیم قرار دارند، که توان سازماندهی مبارزه انقلابی و توده ای و سرنگونی طلبانه علیه چنین حکومت ضد انقلابی نداشته و ندارند. یا در امید دخالت یک دست غیب خارجی اند یا در انتظار "رشد خورد خورد عنصر آگاهی طبقاتی کارگران" تا انشالله همه مارکسیست شوند و قیام کنند. اما واقعیت تلختر این است که ماهای که مبارزه کرده ایم، از آن دو دسته راست و چپ هم نبودیم، از روز اول این حکومت را نخواستیم و قربانی زیادی داده ایم اما اشتباهات زیادی داشتیم، سیاستهای نادرست زیادی دنبال کردیم، احزاب غیر سیاسی و سنتی و رهبران ناتوان زیادی داشته و داریم. در یک کلام ما نتوانستیم ابزارها و ملزومات مبارزه ای، که بدون آن نمیتون با این نوع حکومتهای فاشیست به مقابله برخاست، سازمان بدهیم و برویم به شروع یک نبرد واقعی و گسترده، در نتیجه در گام نخست ما باید بخودمان برگردیم و با درس گرفتن از گذشته سیاست و سازمان و مبارزه و رهبری بهتری را سازمان بدهیم، که جوابگوی نبرد سخت و رزمنده با چنین رژیمهای هار بورژوازی و قرون وسطایی باشد.

تا جای که به این حکومت بر میگردد برای هر آدم معمولی و مطلبی روشن است که حکومت برخاسته نه تنها از انقلاب ۵۷ نبوده که مأمور به خون کشاندن آن بود، که ۴۱ سال است با بزرگترین جنایتهای تاریخ جامعه را در راستایی حفظ اسلام قرون وسطایی و نظام ضد انسانی سرمایه داری در ایران مرتکب شده است. حکومتی است که ۴۱ سال است زندگی و نان و تشکل و حقوق اولیه طبقه کارگر را از آن طبقه ی دهها میلیونی به گرو گرفته، حکومتی است که ۴۱ سال است زن را انسان بحساب نمی آورد، یک نظام مرد سالار و ارتجاعی و آپارتاید جنسی را اعمال میکند، و بلاخره حکومتی است که ابتدائی ترین نیاز و آرزوی دهها میلیون کودک و نوجوان و جوان که حداقل انتظارش زیستن مانند دیگر هم نسلهای خود حتی در دیگر جوامع بورژوازی غربی است، به وحشیانه ترین شکل سرکوب و در محدودیت و خرافات و روزخوانی و زندگی جهنی اسیر کرده است.

در نتیجه در جامعه ای با این همه تناقض و رابطه نامربوط حاکمیت با اقشار و طبقات فرو دست و مدرن و انقلابی نتیجه اش کنار کشیدن هر چه بیشتر شهروندان از سیاست و ترفندهای حکومت اسلامی خواهد بود و بناچار و با وجود ابزار سرکوب هر چه بیشتر نظام اسلامی به سوی تشدد و ضعف و زبونی سوق داده میشود. چنین موقعیتی منجر به ریزش بیشتر نیروی خود جمهوری اسلامی هم شده و خواهد شد، چنانچه در این نمایش انتخاباتی نیز به روشنی شاهد این ریزش هم شدیم. نسبت به سالیان پیش عوامل وابسته و کاسه لیس رژیم و خود فریب به درجاتی کاهش پیدا کرده است، کسانی که در توهم "اصلاحات" بودند توهماتشان بیش از پیش فرو ریخته است،... اینها سیر روند مثبتی است به نفع جامعه و مبارزه ما، اما هنوز کافی نیست!

علاوه بر عواملی که بدان اشاره شد، سیاستهای وحشیانه و سرکوبگرانه و خونین امیز تر رژیم در چند سال اخیر، در کنار تعرض مداوم اقتصادی و تحمیل فقر بیشتر به اکثریت جامعه، منجر به تعمیق و گسترش بیشتر روند اعتراضات جامعه علیه آنها و تعمیق بحرانهای حکومتی و سیاسی و اقتصادی شده است.

سوسیالیسم امروز: حکومت اسلامی و شخص خامنه ای ماها قبل از شروع نمایش انتخاباتی مجلس شان از جامعه میخواست در آن شرکت کنند، و میگفتند این وظیفه شرعی و قانونی همگان است، ادعا میکرد که حتی کسانی که از آنها خوششان نمی آید و یا مخالف ایشان نیز هستند میتوانند در آن شرکت نمایند! با این حال از انقلاب ۵۷ به اینسو این اولین نمایش انتخاباتی رژیم است که به این شکل با عدم شرکت اکثریت گسترده مردم روبرو میشود، چرا چنین شد؟

سلام زیجی: پیشتر ما به این نوع هذیان گویی خامنه ای پاسخ داده بودیم. بنظرم پاسخ نه گفتن عملی اکثریت شهروندان به مضحکه که خامنه ای و حکومت اسلامی تحت عنوان "انتخابات" دوباره به راه انداختند پاسخ به مراتب روشنتر و کوبنده تر جامعه به حرفهای این موجود جنایتکار بود. جامعه ای که زیر چکمههای خونین این نظام له شده است با شنیدن این نوع "پامها" بیش از پیش از این "رهبر" و نظام متنفر میشوند، همانطوری که شدند، و این چرندیات نشانه بی مرزی ابعاد بیشتری و گستاخی چنین مقام و نظامی را میرساند. اگر ما ۴۱ سال جنایت و قتل و ترور این "رهبر" جانی و نظامش را نیز فراموش کرده باشیم حداقل جنایت عظیم اخیر آبان ماه که برای کسب حداقلی از مطالباتشابی بیرون آمدند و اعتراض کردن و به واسطه این نظام و به فرمان همین خامنه ای کشتار شدند، و یا کشتار مسافران هواپیمای مسافری را که نمیتوانیم فراموش کنیم! چگونه در این شرایط این رهبر بیحیا میتواند چنین انتظاری از همین شهروندان داشته باشد؟

نه تنها ما "مخالفان" که حتی یاران دیرینه و جنایتکار خود این حکومت نیز با وجد اینکه برای حفظ همین نظام فاشیست آمدند نیچه انتقادهای غیر مستقیم به امثال خامنه طرح کردند و یا حرف "اصلاح طلبانه" ای در راه بقای نظامشان زده اند آنها را کشتند یا فرستادندشان زندان و حصر و دور از سیستم قدرت. بنابر این وقتی جامعه آگاه به این واقعیتها فراخوان اینچینی از خامنه ای و روحانی و خاتمی ها میشوند چیزی ندارند بگویند بغیر از این بگویند تف به صورت تان، تف بر روی تک تک شما مقامات تروریست و جنایتکار بیشرم رژیم، که بر دریای از خشم و کشتار جامعه نشسته آید باز هم فکر میکنید همین مردم گوسفند و رعیت شما میشوند و به شما قاتلان و سرکوبگران پاسخ مثبت بدهند و عملکردتان را با یک "رای" دادن پوچ تائید نمایند!

آنها هم که رفتند شرکت کردند عملاً رعیت بودن خودشان و فرو رفتن شان در عمق لجن جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند، این گروه اقلیت شرکت کننده در نمایش انتر بازی جمهوری اسلامی به اکثریتی که شرکت نکردند، پشت کردند و خیانت کردند. وقتی خود رژیم از عدم شرکت ۵۸ درصد می گوید که بدون تردید، نصف رقیمی که اعلام کردند، ۴۲ درصد در آن شرکت نموده اند، شرکت داشته اند، خود نشانه بی توجهی به حق جامعه به چرندیات خامنه ای و روحانی ها و نه گفتن به کلیت این سیستم بود.

اما در مورد بخش دوم سولاتان که چرا چنین شد چونکه این جمهوری جانی اسلامی است و البته بسیار دیر چنین هم شد! بنظر من سوال محوری تر این است که چرا چنین حکومتی توانسته است ۴۱ سال زندگی جنایتکارانه کند، تا ما امروز شاهد این سطح از عدم شرکت در این نمایشات انتخاباتی باشیم و تازه برخی بیش از حد هم از آن راضی و خرسند و نشانه پیروزی خود میدانند! چرا ۴۱ سال است می کشد و خون میریزد و هر کاری خواسته کرده اما هنوز در قدرت باقی مانده است؟

در واقع امر مهم نیست که آیا این رژیم ۲ درصد "رای" آورده یا ۱۰۰ درصد، اصلاً در هیچ جای نظام سرمایه داری انتخابات واقعاً آزاد و برابری معنی ندارد، اما بطور اخص در این نظام هیچگاه انتخابات و تعداد شرکت کننده و غیره معنی نداشته است، چنین سیستمی از راه این کلاهبرداری مشروعیت "مردم سالاری" نظامی را بدست می آورد که مشروعیت اولش را از خدایش گرفته، مشروعیت فساد، دزدی، دروغ، اعدام، ترور و ضدیت با کارگر و زن و آزادیهای اولیه انسانها.

ادامه

### بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## آیا جمهوری اسلامی در سرآشویی...

دارد و "انقلاب شروع شد" کردند از سر راه برداشته نمیشود! امر مهم سرنگونی انقلابی این نظام تنها در گرو ایجاد عملی ابزارها و بدیل های بسیار قدرتمند طبقاتی و عملی و مبارزاتی است نه اتکا صرف به تحلیل‌های که هزار بار نادرستی خودش را به ثبوت رسانده است. ما موظف هستیم با اتکا به نیرو و جنبش انقلابی خود با دقت و مسئولیت پذیری بیشتری به سیاست و سازمان و رهبری و راهای سرنگونی رژیم به اندیشیم و عملی کنیم که اکنون بیش از هر زمانی از هر نظر موقعیت تضعیف شده تری دارد.

**پرسش: با توجه به شکست و ناکامی جمهوری اسلامی در نمایش انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، شما آینده این حکومت را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا این رژیم در سرآشویی سقوط قرار گرفته است؟**

**سلام زیجی:** فکر میکنم در بخش پایانی پاسخ به پرسش قبلی مقداری به آن اشاره کردم. در مجموع من به تئوری پردازیهایی که با هر عقب نشینی و یا شکست جمهوری اسلامی انواع انقلاب و سرنگونی و "در سرآشویی سقوط قرار گرفته" را بخورد خود و جامعه می دهند اعتقادی ندارم. این ادعاها بیشتر پروپاگند است تا متکی به واقعیت عینی مبارزه و دیدن تناسب قوای واقعی بین جنبشها و حاکمیت، بطور اخص بین جنبش طبقه کارگر و دولت بورژوازی هار اسلامی، که متأسفانه غالباً از جانب نیروهای چپ و بعضاً از جانب نیروهای راست مانند مجاهدین بیشتر با این کلمات بازی میشود. بنظر من این هیاهوهای "تئوریک" بیشتر به زیان مبارزه و در خدمت به سیاست انتظار است تا اینکه واقعا حقیقت را نمایندگی نماید و به رشد و آمادگی طبقه و جامعه کمکی کرده باشد. این نتیجه گیری ها بیشتر جنبه پروپاگند و احساساتی و آرزو کردنیهای "شیرین" است تا بیان یک خط مشی و ارزیابی زمینی از حقایق جدال جاری با حاکمیت و بیان واقعی رابطه و تناسب قوای قیامی جنبشهای طبقاتی متضاد در جامعه در جهت کمک به تسریع مبارزه کارگری، انقلابی و سوسیالیستی و در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی. در هر صورت من از این مفاهیم و ادعاها دوری میکنم و به واقعیت ها و فاکتتها متکی و متعهد هستم.

بیشتر پوپولیستها و نیروهای "همه با هم" بودند حول چنین نظریه پردازیهایی به هیجان در می آیند. در حالی که هیچگاه هم جوابگوی ادعاهای خود نبوده و نیستند. در مسیر سرآشویی و یا سقوط گفتن پدیده ای بلاخره باید طی زمان معینی به سر انجام برسد، نمیشود دو سال، ده سال، بیست سال( اکثرشان واقعا بیش از بیست سال و حتی برخی از آنها از روزی که این رژیم سر کار آمده است به این نوع بحث بدون مسئولیت پذیری عادت گرفته اند و آنرا هر روز تکرار میکنند) حکم سقوط و سرنگونی فوری و غیره داد اما هیچی هم اتفاق نیفتد و شما باز همان حکایت را تکرار کنید.

دلیل پایه این نوع مفسران سیاسی بر میگردد به عدم واقع بینی و بی مسئولیتشان در قبال مسائلی که طرح میکنند، دلیلش بر میگردد به فرهنگ غالب "پیشگویی" که وظیفه سنتی "رهبران" است که هر چه هم بگویند بلاخره بجز کف زدن هر باره "حضار" با اقدام دیگری مواجه نمیشوند، این سنت مفسر "روشنفکری" هستش که هر گز با عمل انقلابی سروکار ندارد و در قبال پاسخگوی نظریه پردازیهایش مورد بازخواست و یا زیر سوال برده نمیشوند. در هر صورت بنظر من این سنت ربطی به مبارزه واقعی و سخت مبارزه طبقاتی ندارد، دلیلش این است توان سیاستگذاری، رهبری کردن، سازمان دادن مبارزه طبقاتی و سیاسی علیه رژیم پیچیده و وحشی از نوع جمهوری اسلامی را ندارند، دلیلش این است آنها فقط از لایه های کتاب سیاست و مبارزه و جدال طبقاتی و "مبارزه طبقاتی" یاد گرفته اند.

ما تاکید کردیم که جمهوری اسلامی در این تحولات با موقعیت تضعیف شده تری بیرون آمده است، اما مشکل اینجاست که به تناسب این موقعیت جدید دشمن، جنبش ما نه اتحاد و سازمان و نه ابزارها و ملزومات ضروری و حیاتی خود را برای پایان دادن به حیاط این رژیم هنوز نتوانسته تأمین کند. به علاوه هر شکلی از "سرآشویی سقوط" و سرنگونی مادام که حاصل آن به نفع کارگر و زحمتکش و جنبش سوسیالیستی تمام نگردد به چه دردی میخورد؟

حلقه کلیدی که باید مورد توجه قرار بگیرد روند رو به رشد اعتراضات کارگری در چند سال اخیر است. طبقه کارگر ایران بنا به ماهیت و خصوصیاتش در این اواخر نیز از نو پرچم مبارزه رهابخش را بر افراشت که با سرکوب قهر امیز حاکمیت روبر گردید، اما خود سرکوب قهر آمیز هم نتوانست تأثیرات مثبت انرا بر کل جامعه مانع شود. اعتراضات پرشور هفت تپه، فولاد اهواز، هپکو و آذر آب و دیگر نقاط پیام مهمی را به جامعه نسبتاً خفته تا آنزمان ایران داد. پرچم و شعارها و رهبران به جامعه نیرو و اعتماد نفس داد و جهان را نیز متوجه خود کرد، این است عامل و منشا اصلی به وجود آورنده دیگر اعتراضات و اعتصابات در جامعه، از دی ماه همه با هم صف "مردم" انقلابیون و مرتجعین، تا امروز و بدون تردید در آبان ماه، بیش از پیش انقلابی و ضد دولتی و ضد ارتجاع اپوزسیون، و در ادامه در دانشگاهها که رنگ و صدای به مراتب مترقی تر، چپی تر و ضد حکومتی تر و حتی به درست ضد اپوزسیون دست راستی را نمایندگی کرد. مبارزات کارگری به نقطه ای رسید که جمهوری اسلامی را در فکر و نقشه بیشتری فرو برد و تصور این بود این اعتراضات را سرکوب نکند با بحران عمیقتر و چه بسا در مخاطره سرنگونی قرار خواهد گرفت. در راستایی این استراتژی ضد انسانی بود که جنایات آبانما به وقوع می پیوندد. این جنایات آمدند با هیاهو راه انداختن به مناسبتی مرگ قاسم سلیمانی آدمکش، و همچنین به مناسبت سالگرد ۴۱ مین سال حاکمیت سیاهشان، و حتی با سانسور شیوع بیماری کرونا، تلاش کردن نه تنها جنایات آبان و کشتار مسافران هواپیما را به فراموشی بسپارند که برای نمایش انتخاباتی مجلس شان بازار گرمی نمایند، که دیدیم در آن ناکام ماندند.

با این اتفاق عدم شرکت گسترده در نمایش انتخاباتی پیام روشنتر اجتماعی به جمهوری اسلامی داده شد: شما نه تنها حکومت ما نیستید که یک قاتل و جنایتکار وحشی هستید، شما یک نظام فاسد کلاهدار و اسلامی، دزد و مجرم هستید که دیر یا زود باید سرنگون شوید. این پیام روشن داده شد که هر تعدادی از ما بکشید، هر تعدادی در زندانها شکنجه و کشتار و بی حرمت شان کنید، به هر میزانی نان و زندگی دها میلیون کارگر و زحمتکش و انسان شرافتمند را به گرو بگیرید، هیچ راهی دیگری بجز سرنگونی کل بساط شما بیش روی ما باقی نمانده است! این اتفاق صورت خواهد گرفت، اما باید با روش و سیاست و برنامه ما سرکوب شدگان اصلی جامعه، کارگران و زحمتکش و صف سوسیالیستی و آزادیخواهی به سر انجام برسد!

اما در عین حال، و با وجود شکست نسبی رژیم در این نمایش، نباید خوشخیال بود و ادامه مبارزه مان را ساده و آسان تلقی کرد، و فکر کنیم این رژیم با این کارها و سیلی خوردنها از سر راهمان کنار خواهد رفت. شکی نیست ضعیفتر شده و تناسب قوا بیشتر به نفع جامعه چرخیده است. اما راه و اقدامات زیادی لازم است که کل نبرد را به نفع خودمان به سر انجام برسانیم. آنها با این مضحکه و با وجود شکست اجتماعی شان، که به فشار و ترس جدی تری علیه حاکمیت تبدیل شده است، آنها را مجبور میکند خودشان را یک دست تر کنند، که در این نمایش چنین کاری را انجام داده اند، و در آینده رویکرد، سختتر و نظامیگریتر و سرکوبگرانه تری را توأم با فریب و سانسور اولاً علیه طبقه کارگر و به دنبال علیه همه آزادیخواهان جامعه بکار خواهند گرفت، تا به خیال خود بتوانند از بحران عبور کنند و بتوانند نصف قایق در آب غرق شد نظامشان را بیرون بکشند و به تداوم بقای حاکمیت منجر شود. از اینرو خوشخیالی ساده لوحانه خواهد بود اگر فکر کنیم چون اکثریت جامعه، انطوری که خودشان هم اعلام کرده اند ۴۲ درصد شرکت کرده است، مبارزه ما، آنها با اوضاع نامساعدی که بر سازمان و سیاست و پراکندگی جنبشمان و اپوزسیون چپ حاکم است، علیه آنها هموارتر و آسانتر خواهد گردید.

می خواهم تاکید نمایم که با این امار و ارقام نمیتوان به مشروعیت و یا عدم مشروعیت این رژیم دست پیدا کرد، ما که از روز اول آنرا نا مشروع دانسته ایم و واقعا نامشروع بود و هست، مسئله اصلی این است که شناخت درست تری از جمهوری اسلامی و ظرفیت های بسیار فاشیستی و آدمکشی و جنایتکارانه اش داشته باشیم، که باید عمیقاً پذیرفت که چنین سیستم و حاکمیت سیاهی را بازبان خوش و شعار دادن و همه با هم کردند و با هر اعتراضی در "پیچ سرنگونی" قرار

← ادامه

**نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

آیا جمهوری اسلامی در سراسیابی...  
 ▶

ما که قرار نیست هر بار نیروی سرنگون کردن دولتهای استبدادی و سرمایه داری باشیم اما حاصل آن دوباره نسبی یک دولت و جنبش و جریان ارتجاعی و به نفع بخش دیگری از سرمایه داری منجر گردد! گویندگان و نویسندگان تئوری "سراسیابی سقوط" و "انقلاب جاری" و غیره نه تنها از سال ۵۷ هیچ درسی نگرفته اند که عملاً در جهت تکرار همان روند شکست برای طبقه کارگر و سوسیالیسم در تحولات سیاسی اتمی و روند سرنگونی جمهوری اسلامی گام بر میدارند. این یکی از بزرگترین موانعها و مخاطرات سر راه جنبش طبقه کارگر و کمونیسمی است که هنوز که هنوز است صف و سازمان و پرچم و نیروی خود را برای پیروزی سازمان نداده است!

برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی به مثابه یکی از ارتجاعیت ترین و مجهز ترین نظام سرکوبگر و یکی از وحشی ترین نظامهای فاسد حافظ سرمایه داری با پروپاگاندا نمیتوان به نتیجه رسید، با ادعای اینکه "بیانید به حزب ما بپیوندید"، نمیتوان هیچ اقدام جدی به پیش برد، فقط با اعلام موضع سیاسی درست و با دادن بیانیه های بعضاً خوب نهادهای داخل کشوری نیز به تهای نمیشود کاری انجام داد! برای شروع یک مبارزه گسترده کارگری و توده ای علیه این رژیم و برای تأمین قدرت واقعی و سرنگونی طلبانه صف آزادخواهی و برابری طلبی بنظر من حداقل باید این ارکانهای مهم مبارزه انقلابی را فراهم و عملاً آنها را به میدان جدال کسب قدرت آورد:

۱- اولین و مهمترین رکن پیروزی بر جمهوری اسلامی و نظام حاکم بورژوازی در ایران تأمین عملی، نه کاغذی و نظری و فکری ویا جنجال در دنیای مجازی، بلکه در متن مبارزه جاری و در محل کار و زیست یک طبقه متشکل و متحد، حداقل در بخش قابل توجه ای در مراکز کارگری ایران، با رهبران و سیاستهای روشن سوسیالیستی و ضد سرمایه دارنه است. اگر سنتها و اعتراضات و رهبران تجربه شده در رویدادهای هفت تپه، فولاد اروز، هپکو، آذر اب و غیره توانست صحنه سیاست ایران را به نفع جامعه عوض کند، که متأسفانه در نهایت تنها ماندند، باید در شکل متحد و متشکل تر و با سیاست روشنتر سوسیالیستی در مراکز کلیدی و مهم کارگری کشور به وقوع بپیوندد تا بتوان از ممکن بودن یک پیروزی کارگری و آزادیخواه بر جمهوری اسلامی و سرمایه داران در ایران سخن گفت. آنهایی که ادعا دارند کارگران بعداز قیام به میدان می آیند و یا امروز باید از جنبشهای عمومی دیگر حمایت کنند، و جار میزنند اول سرنگونی رژیم بعد در فکر بیان تفاوتها و تلاش برای استقرار سوسیالیسم باشیم از جمهوری اسلامی و سرمایه داران بیشتر دشمن طبقه کارگر و سوسیالیسم هستند.

۲- ایجاد حزب سیاسی-کارگر و اجتماعی، (نه سکتهای دارای رهبران مادامالعمر و ضد انتقادی و سرکوبگران مخالفین سیاسی درون حزبی!)، حزب سیاسی که اساساً داخل کشوری است، متکی به جنبش کارگری و پرچمدار آزادی و برابری در سراسر کشور، حزبی باز، مدرن، منضبط، آماده نبرد سخت، و با برخورداری از رهبری جمعی انقلابی و برنامه انقلابی و سوسیالیستی. بدون چنین حزب و یا احزابی نمیتوان بر جمهوری اسلامی و یا حتی هیچ بخشی از بورژوازی ایران در پوزسیون و اپوزسیون پیروزگردید. ما امروز این خلا بزرگ را در ایران داریم! آنهایی که این روزها بعداز ۴۱ سال شکست و ناکامی خود هنوز فرآخوان میدهند به آنها بپیوندیم باید خودشان بدوا به سوسیالیسم و جنبش رهائی بخش کارگری بپیوندند و از ناسیونالیسم و ملی گرایی و پروپاگاندا عامه پسند در پوشش "دیپلماسی" دست بردارند تا هم در پوشش چپ به ناسیونالیسم و ملی گرایی خدمت نکرده باشند و هم جبهه سوسیالیسم را در عمل تقویت نمایند و سرانجام بتوانیم به معنی دقیق کلمه به شکل گیری آلترناتیو کارگری-سوسیالیستی در ایران کمکی کرده باشیم.

۳- ضرورت نیروی مسلح-ملیتان برای امر پیروزی کارگر و سوسیالیسم بر جمهوری اسلامی و ارتجاع سرمایه داری در ایران. دیر با زود نه فقط نیاز مبرم بازوی مسلح طبقه کارگر و سوسیالیسم برای کمک به روند کم مشقت تر سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش است، که حتی در غیاب چنین نیروی توده ای و انقلابی مسلح بخشی از اپوزسیون مسلح و ارتجاعی نیز به مایه دردرجی شهروندان تبدیل میشوند.

آنها نیز ما را مجبور کرده و میکنند که باید به سازماندهی نیروی مسلح توده ای بطور جدی توجه داشته باشیم و از همین امروز آنرا سازماندهی کنیم. این مهم برای ما به بغیر از جمهوری اسلامی که باید همراه با قیام کارگری و توده ای قیام مسلحانه نیز وارد معادله شود، بخاطر جنگ و روئیا رویی با جریان دیگری نیست.

بر عکس برای دفاع از خود، دفاع از حق تشکل و حزب، برای دفاع از امر برابری زن و مرد و کوتاه کردن دست مرتجعین از سر زنان، برای دفاع از امنیت شهروندان، دفاع از آزادیهای سیاسی، و علیه کانگستریسم بازی جریاناتی که میخواهند از جامعه باج بگیرند با زور اسلحه خود را تحمیل کنند، بخواهند با پرچم ارتجاعی نژاد پرستی و اسلامی جنگ و سناریو سیاه تحمیل کنند، بسیار ضروری است ما در ابعاد میلیونی نیروی مسلح و سازمانیافته توده ای داشته باشیم. انحلال کل نیروهای حرفه ای و دولتی و جایگزینی آن با میلیس توده ای بهترین شکل حراست از امنیت شهروندان است. بدین ترتیب در کلیت خود سیاست ضرورت مسلح شدن جنبش ما دفاعی و برای دفاع از جامعه و مدنیت آن است.

۴- سیاست دیپلماسی بین المللی قوی سوسیالیستی یک رکن دیگر تأمین ملزومات ما بر ارتجاع جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام شورائی و سوسیالیستی است. پیروزی طبقه کارگر و سوسیالیسم در ایران به حمایت مستقیم جهانی طبقه کارگر و کمونیستها و همچنین ایرانیان مدرن و آزادیخواه مفید خارج نیاز مبرم و فوری دارد.

۵- ضمن تلاش جدی و طرح بدون ابهام آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری و نظام شورائی خود در ایران بعداز جمهوری اسلامی، باید بدون توقف علیه کلیه نیروهای دست راستی اعم از سلطنت طلبها و ملی گرایان و قوم پرستان و فدرالیست چپها و اسلامیهای شیعه و سنی، افشاگرهای روشن کرد و آشکارا به جامعه گفت نباید دنبال آنها بروند، باید این حقیقت را گفت که پیروزی این جنبشها و نیروها بعداز جمهوری اسلامی به معنی شکست دوباره طبقه کارگر، زن و جوان و هر آزادیخواهی در آن مملکت است، یعنی تکرار سناریو هولناک جایگزینی جریان خمینی مرتجع با شاه مستبد در قالب و پوشش دیگری.

بدین ترتیب با وجود موقعیت تضعیف شده تر جمهوری اسلامی از آنجا که ما و جنبشمان نه به حمایت هیچ دولت و جریان بورژوازی بلکه به نیروی جنبش طبقاتی خود باید متکی بوده و هستیم، برای تدارک یک مبارزه گسترده انقلابی علیه جمهوری اسلامی بدون درنگ باید همه ابزارهای آن مبارزه و ملزومات پیروزی را نه فقط بر علیه جمهوری اسلامی که همچنین در جهت پیروزی بر کل نیروهای راست درگیر در صحنه سیاسی ایران را باید فراهم نماییم. چند محور فوق تدارک اولیه و گامهای نخست این نبرد مهم و سرنوشت ساز است. هر نیرو و جریانی تدارک آنرا برای دوره بعداز جمهوری اسلامی در سرپیروانند آگاهانه به استقبال تکرار سناریو قربانی شدن مجدد روند کارگری و چپ در سال ۵۷ گام برمی دارد، و از نو در صدد تکرار این حماقت سیاسی است.

به این امید نسل نوین جنبش کارگر و سوسیالیستی و نسل جوان مترقی و سوسیالیست و منتقد و ناراضی به نکات پایه ای که اشاره کردیم روی بیایند تا بتوانیم روند متفاوتتری از آنچه آن بخش از نیروهای راست و چپ و رهبرانشان که به قدمت جمهوری اسلامی و خامنه ای نیز عمر فعالیت و "رهبر" شدن را دارند اما بجز تشنت و شکست و ناکامی و تحمیل انشعاب هیچ امر مهم دیگری را به پیش نبرده اند، سر و سامان بدهیم و مسیر پیروزی جنبش آزادی و برابری و سوسیالیسم را هموارتر کنیم.

به امید پیشروی و پیروزی ما بر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران،

به امید پیروزی جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان، به امید استقرار نظام سوسیالیستی!

(با تشکر از رفیق جلال. م بخاطر پیاده کردن گفتگوی صوتی با سلام زیجی در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۸/۲۹ فوریه ۲۰۲۰ <https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3354401897908373/>)

**زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!، مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## گفتگو با سلام زیجی در باره ویروس کرونا و راههای مقابله با آن



مسافربری آلوده است چگونه به بازماندگان همین شهروندان کمک خواهد کرد؟! این حکومت ضد انسانی در زمانی

که مشغول بساط انتخابات مضحک خود بود. که در آن شکست هم خورد، و در دوره ای که سرگرم مراسم های ارتجاعی خود بودند، درست در این دوره بود که فاجعه ای این ویروس در ایران آشکار شد اما نه تنها به آن اهمیت ندادند و از همان روز اول انکار کردند تا پرواه های خود را دنبال کنند، بلکه آمار هایی ضد و نقیض را به جامعه نیز تحویل دادند. يك مشت آدم مفتخور و ارتجاعی و خرافی را حواله ای میدان کرده اند که از راه اقدامات مذهبی و شفا دادن احمقانه مذهبی و خرافی با چنین پدیده هایی مقابله کنند!

متاسفانه تا جایی که مطلع هستیم تا امروز آمار قربانیان به بیست الی سی نفر رسیده و صدها نفر دیگر آلوده شده اند. هنوز ابعاد این مسئله به درستی روشن نیست چرا که جمهوری اسلامی در همه ای موقعیت ها به جز دروغ حقایق با مردم در میان نگذاشته است. همینها مردم را عصبانی کرده و به نظر من مردم باید با شروع اعتراض و اعطصاب به این رژیم فشار وارد کنند تا امکانات کشور در اختیار مقابله با این فاجعه قرار بگیرد. برای مراسمهای جنایت کارهای مثل قاسم سلیمانی نه تنها ده مرتجع خودشان را قربانی کردند که میلیونها دلار در این رابطه و در منطقه هزینه میکنند و برایش بودجه تصویب میکنند، اما حاضر نیستند هزینه ای برای مقابله با این ویروس را فوراً تعیین اعلام کنند تحویل نهادهای پزشکی و کمک کنندگان بگذارند. باید درخواست اختصاص دادن همه امکانات رایگان کرد که فوراً در اختیار همه ای شهروندان گذاشته شود.

اما در کنار این فشارها بر حکومت به نظر من باید اساس تلاش را از خود جامعه انتظار داشته باشیم. همان شهروندانی که به کمک زلزله زدگان استان کرمانشاه شتافتند، همان کسانی که به کمک سیل زدگان رفتند ما از همین مردم و جامعه و فعالین اجتماعی و سیاسی و کارگری انتظار داریم که اقدام کنند و منتظر جمهوری اسلامی نباشند! باید شبکه های متعدد اجتماعی بوجود آورد و به عنوان نهاد های مستقل در محل کار و شهر و مدارس و دانشگاه ها شبکه های کنترل و راهنمایی و توضیح وسائل بهداشتی و غیره را برای مقابله با این پدیده سازمان داد. اطلاعات درست در اختیار جامعه قرار دادن، تلاش برای پخش رایگان وسایل پزشکی در بین مردم و کمک به پزشکان و پرستاران فداکار، همه این ها کارهایی است که میشود به سرعت انجام داد. این وظیفه ای انسانی جامعه است. سپاه پاسداران چرند می گوید که میگویند "حاضریم کمک کنیم" این نهاد فاسد و کشتار و دزد مانند کمک های که در سرپل ذهاب کردند و به آسیب دیدگان سیل انجام دادن همان کار را اینجا هم خواهند کرد. کار آنها ها کشتن آدم هاست، کمک آنها کشتن ۱۵۰۰ انسان است در ابان ماه، کار آنها سرنگون کردن هواپیمای مسافربری است. کار آنها دزدیدن بخش اعظم کمکهای ارسالی جامعه

و نهادهای بین المللی است!

**پرسش:** ضمن تشکر از شرکت رفیق سلام زیجی در این گفتگو از ایشان میپرسم سیاست حزب سوسیالیست انقلابی ایران درباره ی شیوع بیماری کرونا در ایران در چند روز اخیر که در حال تبدیل شدن به فاجعه بزرگی است و حکومت اسلامی ضمن اینکه درباره ی آن دروغ می گوید در مقابله با آن نیز ناتوان است، چیست؟

**سلام زیجی:** واقعیت این است فاجعه ای که اکنون دامن سی الی چهل کشور را گرفته است، به نظر میرسد اگر با کنترل دقیق و زود هنگام و هزینه کردن گسترده در مقابله با این ویروس همراه نباشد میتواند جامعه ای انسانی را با مخاطرات بسیار جدی روبرو کند. در ایران همانطور که شما نیز اشاره کردید واقعیت این است که عملاً به يك فاجعه تبدیل شده است! و با يك حکومت فاشیست که خودش ویروس کشنده ی است که چهل سال است به جان مردم ایران افتاده نمیتوان به مقابله با این مخاطره رفت. اکنون نه تنها توان مقابله با این قضیه را ندارند بلکه با اخبار متناقض مسئولیتی که هر دولت معمولی بورژوازی هم قاعداً باید در قبال شهروندان خود قبول کند در جمهوری اسلامی انرا نمیبینم.

به هر حال جنبه ی پزشکی قضیه و اظهار نظر درباره ی آن به عهده ی متخصصین این رشته است. ما امیدواریم جامعه پزشکی، که متاسفانه جامعه ی پزشکی نیز در این نظام جهنمی سرمایه داری اساساً به دنبال بیزنیس و پول سرما یه گذاری و کسب سود هستند، با این وجود انتظار و امید ما این است که در بطن اینجهان پزشکی، متخصصین و انسانهای شرافتمند بیشماری پیدا بشوند که داوطلبانه و با شجاعت و بدور از قید و بندها و منافع ضد انسانی نظام پزشکی بورژوازی، برای مقابله با این بیماری خطرناک برخیزند و هر کاری که در توان آن هاست انجام بدهند. جهان انسانی چشمش را به آنها دوخته است!

اما در مورد خود جمهوری اسلامی و این نظام منبع صدها ویروس کشنده در جامعه، باید گفت مانند هر نظامی وقتی تمام سرمایه و منابع جامعه را در اختیار دارد، حداقل در چنین فاجعه هایی بخشی از آنرا به خود جامعه برگرداند و به داد مردم برسند، بهتر بگویم باید مجبور ش کرد آنرا به جامعه برگرداند. تجربه این نوع وقایع نشان داده ما جمهوری اسلامی ای مواجه هستیم که بقا و منفعت خود را بر هر پدیده دیگری ترجیح میدهد. جمهوری اسلامی نه در دوران فجاج زلزله که بارها گریبان مردم ایران را گرفته نه در فاجعه های سیل و دیگر موارد هیچ هزینه ای برای حل این معضل ها اختصاص نداده است. هنوز هم زلزله زدگان و سیل زدگان چندین سال قبل بدون جا و مکان وامکانات هستند. ازین رو به نظر من نباید انتظار عجیبی از يك حکومت فاشیست که هیچ مسئولیتی را در قبال شهروندان خود قبول نمی کند داشت. حکومتی که در همین يك ماه اخیر دستش به خون هزاران انسان در آبان ماه و فاجعه ی سرنگونی هواپیمای

ادامه

**نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!**



## زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی!

کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنهایی که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به "قوانین" دوران وحوش، و بخاطر مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار مینمایند سزاوار شدیدترین مجازاتها هستند. اقدام برای مجازات انقلابی-توده ای این مزدوران وحشی عادلانه ترین شکل برخورد جامعه علیه آنها است، و بدون تردید باید آنرا در همه نقاط کشور به اجرا گذاشت!

**مردم آزادیخواه!، جوانان!**  
در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحدهای مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید.

برای همفکری و راهنمایی های لازم با آدرس مایلهای زیر میتوان تماس گرفت:  
[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)  
[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

### ادامه گفتگو در باره ویروس کرونا...

وظیفه ی ما فشار آوردن به جمهوری اسلامی و تلاش برای تعطیل کردن همه ی مکان هایی که میتواند جلوی شیوع ویروس را بگیرد است، تعطیل کردن مکان های عمومی و مضحکه های مذهبی از مساجد گرفته تا نماز جمعه ها و اجازه نداد این ویروس مذهبی موجب گسترش ویروس کرونا نیز شود و جامعه را بیش از پیش قربانی کند.

همچنانکه پیشتر اشاره کردم لازم است فوری در هر سطح عمومی و تخصصی برای کمک رسانی، برای پخش رایگان نیازمندیهای پزشکی و بهداشتی و دادن آگاهی درست به مردم اکیب های داوطلبانه سازماندهی کنند و جاهایی که لازم به قرنطینه دارند را اطلاع دهند و هر کار ضروری که برای مقابله با این ویروس لازم است بنا به رهنمودهای پزشکی معتبر آموزش دهند. در هر جاهایی که متوجه شدیم دولت و هر نهاد و شرکت و فرد سرمایه داری در حال انبار کردن مایحتاج و امکانات پزشکی است و میخواهند از این راه ضد انسانی کسب سود کنند اقدام به مصادره آنها کنیم و به طور رایگان و مرتب در اختیار جامعه و مبتلایان به بیماری قرار داده شود. اکنون به نظر من بهترین کار در این موقعیت رایگان اعلام کردن تمام معاینات و در اختیار قرار دادن امکانات پزشکی است. هیچ مرکز دولتی و پزشک و دارو خانه ای نباید از مردم پول بگیرد! یا از ترس هزینه برای معالجه نروند. این موارد باید وسیعاً انتشار داده شود و حق بدیهی هر انسان بیماری است که در معرض این بیماری است به طور رایگان معالجه بشود. در هر حال با این اقدامات می شود یک حرکت اجتماعی را بوجود آورد. جامعه باید از خود محافظت کند و با گسترش این ویروس مقابله کند و به دولت فشار آورد و امکاناتی که لازمه را از حلقوم دولت بیرون کشید و در اختیار جامعه و بیماران قرار داد.

همینجا لازم میدانم به همه کسانی که عزیزانشان را از دست داده اند تسلیت خود را عرض کرده باشم و در این غم و اندوه سنگین آنها خود را شریک دانسته و در کنارشان هستیم.

هیچ راهی برای حل این موضوع نیست مگر اقدامات اشاره شده سه وجهی یعنی اعتراض کردن و فشار آوردن به دولت، به تحرك در آوردن جدی جامعه ی پزشکی انسان دوست و مسئول و دلسوز و در رأس همه ی این ها ضرورت يك حرکت اجتماعی و خود سازمان دهی شده جامعه در محلات و مراکز کار و تحصیل به منظور حفاظت از جامعه، ممانعت از گسترش ویروس کرونا و نگهداری از کسانی که آلوده هستند. به این امید که این فاجعه در جامعه ایران و جهان خاتمه پیدا کند و همه به زندگی عادی و روزانه ی اجتماعی خود برگردیم و حول انجام وظایفهای مبرم خود علیه دولت ویروس پرور و آدمکش حاکم اسلامی و دیگر جنایتکاران مشابه تمرکز کنیم.

با تشکر از وقتی که در اختیار من گذاشتید!

(باتشکر از رفیق تبنا، خ، متن گفتگوی صوتی با سلام زیجی در روز هفتم اسفند ۱۳۹۸/۲۷ فوریه با ۲۰۲۰)

[https://www.facebook.com/watchparty/190042208987521/?entry\\_source=USER\\_TIMELINE](https://www.facebook.com/watchparty/190042208987521/?entry_source=USER_TIMELINE)

**همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!**

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

**به ما کمک مالی کنید**

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

## بیش از هزار نفر از فعالین اجتماعی خواهان آزادی زندانیان بخاطر پیشگیری از ابتلای آنها به بیماری کرونا شدند

شیوع بیماری کرونا بسیار جدی در حال گسترش است. کسی در جامعه در امان نیست. اما در این میان زندانیان محبوس در زندانهای کشور در خطر بسیار بالایی قرار دارند. تعداد زیادی از بهترین فرزندان این کشور به اتهامات سیاسی در این زندانها محبوس هستند.

باتوجه به عدم وجود امکانات بهداشتی و پزشکی در زندانها اگر در هر بندی از زندانهای کشور یک نفر به ویروس کرونا مبتلا گردد آن زندان به قتلگاه زندانیان بدل میشود.

اخباری که از داخل زندانها مبنی بر عدم انجام هیچگونه اقدامی جهت ضد عفونی کردن محیط و عدم دسترسی زندانیان به مواد بهداشتی به بیرون از زندانها میرسد خانواده های زندانیان و کل جامعه را به شدت نگران کرده است.

واقعیت این است که زندانیان در شرایط اسارت، برای پیشگیری از ابتلا به بیماری هیچگونه توانایی برای حفاظت از سلامت خویش ندارند به همین جهت مسئولیت حفظ سلامت زندانیان تماماً با مسئولین قضایی است.

از اینرو ما امضا کنندگان زیر همگام با خانواده زندانیان و در تأیید درخواست آنها، قاطعانه از قوه قضائیه و نهادهای مرتبط می خواهیم که نسبت به آزادی زندانیان و یا قبول مرخصی تا پایان دوران بحران اقدام نمایند.



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.  
در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.  
حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!  
زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

**اخراج و بیکارسازی موقوف!**